

## دکتر تیبریوس راتا، عزرا-نحمیا

### جلسه ۹، نحمیا ۷-۸

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تیبریوس راتا و آموزه‌های او در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۹، نحمیا ۷-۸ است.

این جلسه به نحمیا ۷ اختصاص دارد. پنج آیه اول دوباره به ما نشان می‌دهد که نحمیا کار را واگذار می‌کند.

، از آیه اول

**شروع می‌شود** و چون دیوار ساخته شد و درها را برپا کردم و دروازه بانان و سرایندگان و لایوان منصوب ۱ شدند، ۲ من برادرم حنانی و حنایا، فرماندار قلعه، را به عنوان سرپرست اورشلیم منصوب کردم، زیرا او مردی امین‌تر و خداترس‌تر از بسیاری بود. ۳ و به ایشان گفتم: «دروازه‌های اورشلیم را تا آفتاب داغ نشده باز نکنند، و تا وقتی که هنوز نگهبانی می‌دهند، درها را ببندند و قفل کنند. از میان ساکنان اورشلیم نگهبانی بگمارید، برخی در پست‌های نگهبانی خود و برخی در جلوی خانه‌های خود.» ۴ شهر وسیع و بزرگ بود، اما جمعیت کمی در آن زندگی می‌کردند و هیچ خانه‌ای بازسازی نشده بود.

آنگاه خدای من در دلم نهاد که بزرگان و صاحب‌منصبان و مردم را گرد آورم تا از روی نسب‌نامه ثبت ۵ شوند. و کتاب نسب‌نامه‌ی کسانی را که اولین بار آمده بودند، یافتم و در آن نوشته شده بود

بنابراین دیوار تکمیل شده است.

حالا نحمیا باید دروازه بانانی را منصوب کند. اینها نگهبانان امنیتی باستانی هستند. احتمالاً خوانندگان و لایوان در این نقش کمک می‌کردند، هرچند نگهبانی از دروازه‌ها مسئولیت اصلی آنها نبود.

بنابراین، می‌توانیم در مورد این موارد فکر کنیم. اینها فقط نوعی ترتیبات اضطراری هستند. این مسئولیت واقعی روزمره‌ای نبود که ادامه خواهد یافت.

اما به عنوان یک رهبر خوب، نحمیا می‌دانست که نمی‌تواند و نباید کار را به تنهایی انجام دهد. بنابراین، او بخشی از کار را به حنانی و حنایا واگذار می‌کند. به یاد داشته باشید، حنانی برادر نحمیا است، به اصطلاح برادر، که برای اولین بار او را از وضعیت غم‌انگیز اورشلیم در نحمیا فصل ۱ آیه ۲ مطلع کرد. اکنون، دو بار او برادر من نامیده می‌شود، که برخی از محققان را به این باور می‌رساند که او در واقع برادر تنی او، یک برادر خونی، بوده است.

ما نمی‌دانیم. ممکن است او فقط یک هموطن بوده باشد. اما حنایا به عنوان فرماندار قلعه خدمت می‌کرد. بنابراین برای نظارت بر نگهبانی شهر صلاحیت بیشتری داشت.

این، باز هم، نقش بسیار مهمی برای یک رهبر است که افرادی را که با آنها کار می‌کند درک کند و کار را به آنها واگذار کند. اما پنج آیه اول او همچنین به ما می‌گوید که اورشلیم هنوز به طور کامل مسکونی نشده بود و خانه‌ها بازسازی نشده بودند. منظورم این است که به زمانی فکر کنید که مردم برمی‌گردند

این را در پایان کتاب خواهیم دید. مردم کجا زندگی می‌کنند؟ آیا می‌خواهند در شهر اورشلیم زندگی کنند یا می‌خواهند در حومه شهر زندگی کنند؟ خواهیم دید که اکثر مردم می‌خواهند در حومه شهر زندگی کنند، جایی که بتوانند درخت و محصول بکارند و از زمین خود امرار معاش کنند. افراد زیادی برای زندگی در مرکز شهر اورشلیم عجله نداشتند.

و مشکلی وجود دارد که چگونه می‌خواهید اورشلیم را دوباره پرجمعیت کنید. و در پایان کتاب خواهیم دید که آنها چگونه این کار را انجام خواهند داد. و به دنبال این هیئت، شجره‌نامه‌ای را دارید که نحما پیدا می‌کند.

و آنچه در اینجا در فصل هفتم از آیه ششم تا انتها داریم، فهرستی از افرادی است که بازگشتند. این فهرست تقریباً مشابه فهرست موجود در فصل دوم عزرا است. برخی تفاوت‌های جزئی وجود دارد.

و در تفسیرم، فهرستی از این واگرایی‌ها دارم. و می‌توانید فهرست هر دو فهرست را در کنار تغییرات مشاهده کنید. بنابراین، به یاد داشته باشید، سه موج تبعید وجود داشت. سه موج بازسازی و تجدید وجود داشت.

اکنون ملت برای احیای معنوی مورد نیاز آماده خواهد بود. هر دو کتاب عزرا و نحما به احیای فیزیکی و احیای معنوی می‌پردازند.

و اگر تا الان شاهد نوعی بازسازی فیزیکی شهر بودیم که از فصل هشتم شروع می‌شود، در واقع به بازسازی معنوی می‌رسیم. اما قبل از اینکه ادامه دهم، می‌خواهم به یک کشف باستان‌شناسی بسیار مهم از زمان نحما اشاره کنم. در این کشف به تما اشاره شده است که در فصل هفتم، آیه ۵۵ در فهرست بازگشتگان ذکر شده است.

و در واقع، آنچه اینجا می‌بینید دو مرد با دستانی در حال عبادت در مقابل یک محراب و سپس نام تما در پایین آن است. نکته جالب اینجاست که دوباره، شما شواهدی از این مهر با نام شخصی از فهرست بازگشتگان از زمان نحما دارید. باز هم، تعداد زیادی از این مهرها در اورشلیم پیدا شده است و قدمت آن به زمان نحما برمی‌گردد.

بنابراین، این یک کشف بسیار جالب است. بنابراین، اکنون به فصل هشتم می‌رویم، جایی که شاهد آغاز بازسازی معنوی مردم خواهیم بود. و این بازسازی با کلام خدا شروع و پایان می‌یابد.

در دوران تبعید چه اتفاقی افتاده است؟ آنها به نقاط مختلف رفته بودند. آنها معبدی برای بازگشت نداشتند. برخی از محققان معتقدند که در این دوره بود که کنیسه متولد شد و وقتی یهودیان نمی‌توانستند به معبد بروند، کنیسه‌ها در سراسر جهان ظاهر شدند.

بنابراین، کنیسه‌ها در سراسر جهان ساخته می‌شوند. اما این بازسازی با خواندن کلام آغاز می‌شود. باز هم، همه کتاب مقدس یا طومارهای خودشان را نداشتند.

بنابراین اکنون آنها با کلام خدا روبرو هستند. فصل هشتم، از آیه یک

**شروع می‌شود.** و تمام قوم مانند یک نفر در میدان جلوی دروازه آب جمع شدند. و به عزرای کاتب گفتند 1 که کتاب تورات موسی را که خداوند به اسرائیل فرمان داده بود، بیاورد. 2 پس عزرای کاهن، تورات را در روز اول ماه هفتم، به حضور جماعت، از مرد و زن و هر که می‌توانست آنچه را که می‌شنید بفهمد، آورد. 3 و او از صبح زود تا ظهر، رو به میدان مقابل دروازه‌ی آب، در حضور مردان و زنان و کسانی که می‌توانستند بفهمند

از آن خوانند. و گوش‌های همه‌ی مردم به کتاب تورات دوخته شده بود. **4** و عزرای کاتب بر روی سکوی چوبی که برای این کار ساخته بودند، ایستاده بود. و در کنار او، متیتیا، شامع، عنایا، اوریا، حلقیا و معسیا در دست راست او و فدایا، میشائیل، ملکیا، حاشوم، حشبدانه، زکریا و مشلام در دست چپ او ایستاده بودند و عزرا کتاب را در برابر دیدگان تمامی قوم گشود، زیرا او بالاتر از تمامی قوم بود، و چون آن را گشود، تمامی **5** قوم ایستادند. **6** و عزرا خداوند، خدای بزرگ را ستایش کرد، و تمامی قوم دستهای خود را به آسمان بلند کرد، پاسخ دادند: «آمین، آمین.» و سرهای خود را خم کردند و رو به زمین خداوند را پرستش نمودند.

بنابراین، آنچه ما اینجا داریم، جمعی از مردم هستند که با کلام خدا روبرو می‌شوند. و ما اینجا می‌بینیم که آنها آن را می‌خوانند و برای مدت زمان زیادی آن را می‌خوانند. و به نظر می‌رسد که عطش زیادی برای کلام خدا وجود دارد.

و باز هم، کدام کلام خدا؟ باز هم، این شریعت موسی است. باز هم، آیا فقط کتاب تثنیه است؟ آیا پنج کتاب اول است؟ ما نمی‌دانیم. اما باز هم، کتاب شریعت در حال حاضر وجود دارد.

و این چیزی است که او هست، چیزی که عزرا می‌خواند. اگر توجه کرده باشید، آنها چیزی را تمرین می‌کنند. که برخی از فرهنگ‌ها هنوز هم امروزه انجام می‌دهند. وقتی کلام خدا را می‌خوانند، بلند می‌شوند.

اگر امروز به بسیاری از کشورها بروید، آنها هنوز هم این کار را انجام می‌دهند. و ما در کلیساهای آمریکا از این رسم فاصله گرفته‌ایم. اما دعای خیر عزرا، قرائت کلام را به پایان رساند و پس از آن، واکنش مردم را به دنبال داشت که با سه ویژگی مهم مشخص می‌شد.

پاسخ آنها با صدای بلند، فروتنانه و پرستش‌گونه بود. آنها با گفتن آمین پاسخ دادند. می‌شد دید که دستانشان را بالا بردند و سپس، در پرستش خود، واقعاً به زمین سجده کردند.

در واقع، کلمه عبری برای پرستش به معنای واقعی کلمه به معنای سجده کردن در برابر کسی است. این کلمه معنای دیگری ندارد. بنابراین، در دوران عهد عتیق، وقتی کسی را پرستش می‌کردید، باید در برابر کسی که او را می‌پرستیدید، تعظیم می‌کردید.

اما وقتی کلام را می‌خوانید، چه می‌کنید؟ افرادی هستند که آن را می‌شنوند اما واقعاً نمی‌دانند چه اتفاقی دارد می‌افتد. باز هم، مدت زیادی است که آنها آن را نشنیده‌اند، از زمانی که کلام خدا را شنیده‌اند. خب، کتاب مقدس می‌گوید که مؤمنان باید کلام خدا را توضیح دهند.

آنها فقط کلام را نمی‌خوانند، بلکه کلام خدا را نیز توضیح می‌دهند. و این افرادی که در آیه هشتم از آنها نام برده شده است، همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، به مردم کمک می‌کردند تا شریعت را درک کنند، در حالی که مردم در جای خود باقی می‌ماندند. آنها از کتاب، از شریعت خدا، به وضوح می‌خواندند و به آنها معنا می‌بخشیدند تا مردم آن را درک کنند.

در اینجا تعدادی از ۱۳ لایه معرفی شده‌اند. نام‌های آنها ذکر شده است و به مردم کمک می‌کند تا آنچه خوانده می‌شود را درک کنند. در واقع، موسی قبل از مرگش، لایوان را برکت داد.

و تثنیه ۱۰: ۳۳ می‌گوید که لایوان احکام تو را به یعقوب و شریعت تو را به اسرائیل خواهند آموخت بنابراین، این وظیفه‌ای بود که خدا به آنها داده بود، حتی به تثنیه. اگر در کتاب دوم تواریخ بخوانید، در زمان یهوشافاط، برخی از لایوان معلمان سیار شدند و در تمام شهرهای یهودا گشتند و در میان مردم تعلیم دادند.

دوم تواریخ ۱۷: ۷-۹. بنابراین، این درباره اهمیت خدمت تعلیم کلام خدا، نه فقط در جمع‌های بزرگ، بلکه در گروه‌های کوچک صحبت می‌کند. هر دو برای زندگی جامعه مؤمنان مهم، ضروری و حیاتی هستند. بنابراین، مؤمنان کلام را خواندند، مؤمنان کلام را توضیح دادند، و سپس مؤمنان از کلام شادمان شدند.

از آیه ۹ شروع می‌شود.

و نحمیا که فرماندار بود، و عزرای کاهن و کاتب، و لاویانی که قوم را تعلیم می‌دادند، به همه مردم گفتند ۹: «امروز برای یهوه خدای شما مقدس است؛ سوگواری و گریه نکنید»

ضمناً، برای اولین بار عزرا و نحمیا را با هم می‌بینیم.

آنها معاصر هستند و اینجا در مراسم عبادت با هم هستند.

سوگواری و گریه نکنید، زیرا همه مردم با شنیدن سخنان شریعت گریه کردند. سپس او گفت: «بروید، غذاهای لذیذ بخورید و شراب شیرین بنوشید و برای هر کسی که چیزی آماده ندارد، سهمی بفرستید»

زیرا این روز برای خداوند مقدس است، پس غمگین مباشید، زیرا شادی خداوند قوت شماست. پس لاویان «همه را آرام کردند و گفتند»: ساکت باشید، زیرا این روز مقدس است. غمگین مباشید

و همه مردم به راه خود رفتند تا بخورند و بنوشند و سهم خود را بفرستند و شادی بزرگی کنند، زیرا سخنانی را که به آنها گفته شده بود، فهمیده بودند.

برای برخی از مردم، سخنان شریعت زندگی جدیدی ایجاد کرد. زیرا برخی گذشته خود را به یاد آنها آورد.

هر اتفاقی که اینجا افتاده، کلامی است که همچون شمشیری عمیقاً بر بدن انسان فرود آمده است. شاید این اشک‌ها، اشک توبه بوده باشند. ما نمی‌دانیم.

فقط می‌گویید که آنها سوگواری کردند. همانطور که دوم قرن‌تین ۱۰: ۷ می‌گوید، ممکن است اشک‌های آنها اشک توبه بوده باشد. اما اشک‌های آنها قطعاً اشک شادی نبود، زیرا عزرا و نحمیا باید به مردم بگویند که غمگین نباشید.

عزرا و نحمیا سعی نداشتند مانع توبه آنها شوند، اما غم و اندوه باید با شادی همراه باشد. زمانی برای غم و اندوه وجود دارد، اما زمانی برای شادی نیز وجود دارد. و این چیزی است که آنها در اینجا سعی در تأکید بر آن دارند.

این شادی خداوند است که قدرت شماست. شادی خداوند، نه اندوه خداوند، قدرت مردم است. یکی از محققان تأیید می‌کند، و من نقل قول می‌کنم، این شادی یهوه بر قومش است که اساس امید به نجات یا محافظت از خشم او را تشکیل می‌دهد.

شادی یهوه اساس محافظت آنها از عواقب بی‌توجهی به شریعت است. بنابراین، وقتی شاد هستند چه می‌کنند؟ خب، آنها می‌خورند و می‌نوشند. و خوردن و آشامیدن، بیان بیرونی حالت درونی است.

و دوباره، آنها می‌گویند که این برای خداوند مقدس است. مقدس برای خداوند در واقع نامی برای روز سبت در خروج ۳۱ و ۳۵ بود. اکنون عزرا و نحامیا اعلام می‌کنند که این روز برای خداوند مقدس است زیرا مردم مطابق قانون خدا عمل کردند.

من از نحوه خلاصه کردن اتفاقات در این آیات توسط وارن ویرزبه خوشم می‌آید. او می‌گوید: «در اینجا محکومیت، تطهیر و جشن وجود دارد. مردم به گناه خود محکوم می‌شوند، از گناه خود پاک می‌شوند، اما «سپس کلام خدا را جشن می‌گیرند».

و نه تنها آنها از کلام شادمان می‌شوند، بلکه مؤمنان نیز از آن پیروی کرده و از آن اطاعت می‌کنند. از آیات ۱۳ و

**شروع می‌شود.** در روز دوم، سران خاندان‌های تمام قوم، به همراه کاهنان و لاویان، نزد عزرا کاتب گرد ۱۳ آمدند تا سخنان تورات را مطالعه کنند. ۱۴ و آنها در تورات نوشته شده یافتند که خداوند به وسیله موسی فرمان داده بود که بنی‌اسرائیل در عید ماه هفتم در **خیمه‌ها ساکن شوند، ۱۵** و اینکه آنها باید این را اعلام کنند، و در تمام شهرهای خود و در اورشلیم منتشر کنند: «به تپه‌ها بروید و شاخه‌های زیتون، زیتون وحشی، آس نخل و سایر درختان برگ‌دار را بیاورید تا سایبان‌هایی بسازید، همانطور که نوشته شده است.» ۱۶ پس مردم بیرون رفتند و آنها را آوردند و هر کس بر پشت بام خود، و در حیاط‌های خود و در حیاط‌های خانه خدا، و در میدان دروازه آب و در میدان دروازه افرایم، برای خود سایبان ساخت. ۱۷ و تمام جماعت کسانی که از اسارت برگشته بودند، آلاچیق‌ها ساختند و در آلاچیق‌ها ساکن شدند، زیرا از روزگار یشوع بن نون تا آن روز بنی‌اسرائیل چنین نکرده بودند. و شادی بسیار بزرگی برپا شد. ۱۸ و روز به روز، از روز اول تا روز آخر، او از کتاب شریعت خدا قرائت می‌کرد. آنها هفت روز عید را برگزار کردند و در روز هشتم، طبق قانون، یک مجلس رسمی برگزار شد.

بنابراین همه چیز با مطالعه عمیق کتاب مقدس آغاز می‌شود. کاهنان، لاویان و سرپرست خانوارها به اسرائیل «می‌آیند و می‌گویند»: «هی، ما می‌خواهیم به مطالعه این کلام خدا ادامه دهیم».

و همانطور که آنها در حال خواندن هستند، این قانون را در مورد جشن خیمه‌ها کشف می‌کنند. به یاد داشته باشید که این جشن در ۱۵ تیشری آغاز شد. به یاد داشته باشید که این جشن، جشن اصلی شکرگزاری بود و قدردانی از نعمت‌های خدا در طول رویداد خروج از مصر را نشان می‌داد.

شما آن را در خروج ۳۴ دارید. ما آن را در لاویان ۲۳ داریم. و این جشن پاییزی، سال کشاورزی را به پایان می‌رساند و یاد سرگردانی بنی‌اسرائیل در بیابان را گرامی می‌داشت.

چرا؟ چون آنها در چادر زندگی می‌کردند. و حالا داشتند این را جشن می‌گرفتند. و در واقع، اگر امروز به اسرائیل بروید، هنوز هم، برخی از یهودیان، یهودیان ارتدکس، این را جشن می‌گیرند.

و آنها خیمه‌هایی می‌سازند و روزی خدا را جشن می‌گیرند. بنی‌اسرائیل پس از ترک رامسس دوم در فصل ۱۲ کتاب خروج، برای اولین بار به سوکوت آمدند. جشن خیمه‌ها در دوران سلطنت نیز برگزار می‌شد، دوم تواریخ ۸. این جشن در دوران پس از تبعید نیز برگزار می‌شد.

ما این را در عزرا ۳، زکریا ۱۴ می‌بینیم. و حتی در دوران اولیه کلیسا، این تنها عیدی است که به بنی‌اسرائیل دستور داده شده بود در حضور خداوند شادی کنند. باز هم، موضوع شادی در اینجا، سوگواری برای گناه شماست، اما سپس در خداوند شادی می‌کنید.

بازگشتگان مشتاق اطاعت از کلام خدا بودند، کلامی که ظاهراً نادیده گرفته شده بود. بسیاری از آنها این را نمی‌دانستند. آنها از کلام بی‌اطلاع بودند.

حالا آنها آن را می‌شنوند. و کلام خدا در واقع مانند شمشیری است که می‌برد، اما در زندگی آنها زنده و فعال است. و نتیجه اطاعت، شادی بیشتر بود.

من از بینش وارن و برزبی خوشم می‌آید و نقل می‌کنم که خداوند به جای غم، یا شادی علی‌رغم غم، شادی به ما نمی‌دهد، بلکه شادی را در میان غم به ما می‌دهد. این جایگزینی نیست، بلکه دگرگونی است. مردم قانون را رعایت می‌کردند، به خاطر قانون، مردم جشن را حفظ می‌کردند.

و کتاب شریعت، باز هم، نقش محوری داشت. بنی اسرائیل قرار بود اهل کتاب باشند. و ما نیز همینطور هستیم.

ما اهل کتاب هستیم. ما باید کتاب، کلام خدا، و خدای کلام را دوست داشته باشیم. و ما قدردان کلام او هستیم و باید آن را بخوانیم و سپس از آن اطاعت کنیم، درست همانطور که من انجام داده‌ام.

و پاسخ، نتیجه نهایی، اطاعت از کلام و شادی در کلام بود. به یاد داشته باشید که شادی خداوند، قدرت شماست. شما

این دکتر تیبریوس راتا و تعلیماتش در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۹، نحمیا ۷-۸ است.